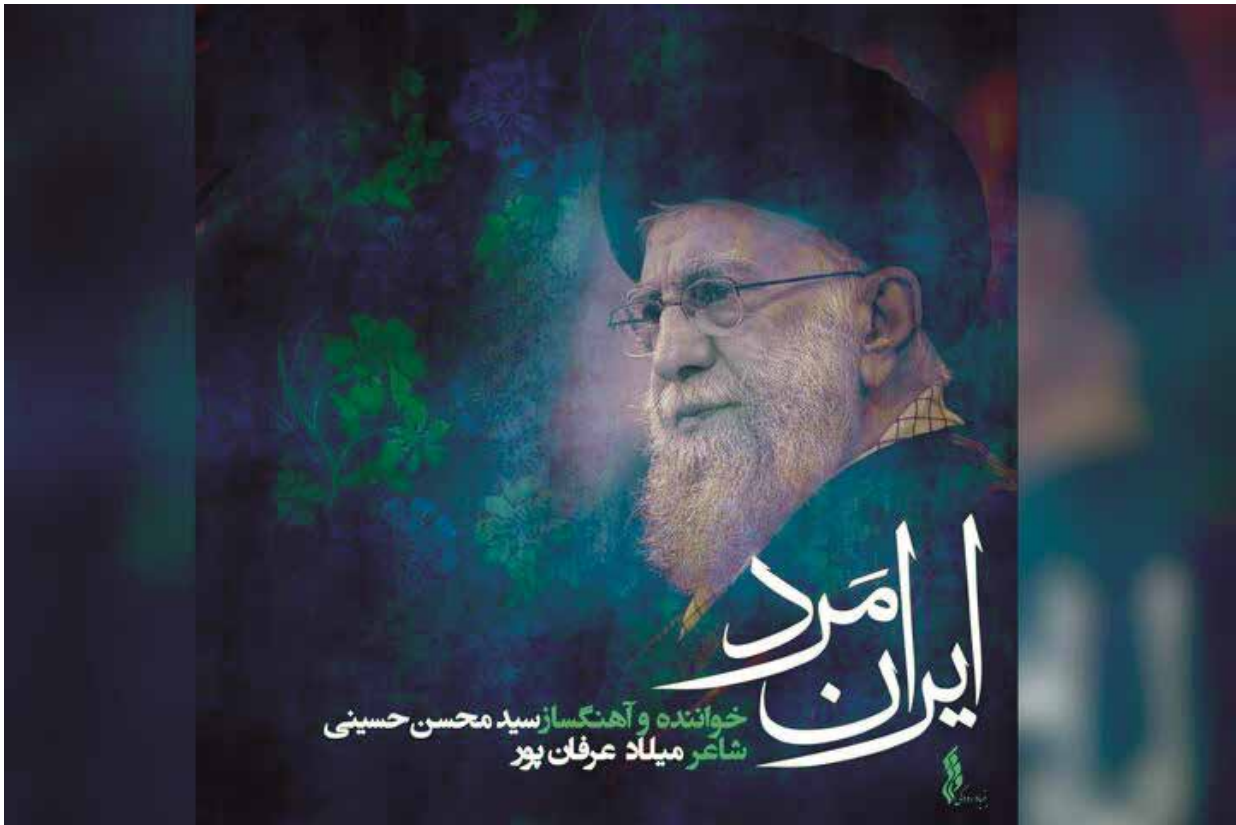


سید محسن حسینی، آهنگساز از پشت صحنه تولید قطعه **ایران مرد** می گوید

روایت موسیقایی از حماسه و دل‌بستگی به ایران



خواننده و آهنگساز سید محسن حسینی
شاعر میلاد عرفان پور

گفت‌وگو

قطعه «ایران مرد» با آهنگسازی و خوانندگی محسن حسینی، ادای احترامی هنرمندانه به مقام رهبر شهید است؛ اثری که با بهره‌گیری از مضامین حماسی و عاطفی، مفاهیمی چون ایمان، مقاومت، عزت و عشق به میهن را در قالبی موسیقایی به تصویر می‌کشد.

در باره این اثر با سید محسن حسینی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

نداسیجانی گروه فرهنگی

موسیقی، زبان ماندگار روایت انسان‌هایی است که در حافظه تاریخی یک ملت جاودانه می‌شوند.

چهار انگیزه‌ای باعث شد قطعه «ایران مرد» را با محوریت رهبر شهید تولید کنید؟

پس از شهادت حضرت آقا، در همان اوایلین روز در بنیاد فرهنگی هنری رودکی و با همراهی جمعی از دوستداران و ارادتمندان ایشان، به این جمع‌بندی رسیدیم که باید اثری در شأن این اتفاق بزرگ تولید شود. فضای آن روزها، فضای خاصی بود و همه احساس می‌کردیم هنر هم باید سهم خود را در ادای دین به این شخصیت بزرگ ایفا کند. به همین دلیل خیلی سریع تصمیم گرفتیم این ایده را عملیاتی کنیم و وارد مرحله تولید شویم. نتیجه این تصمیم، تولید قطعه «ایران مرد» بود؛ اثری که بر اساس شعری از میلاد عرفان‌پور شکل گرفت. یکی از مصرع‌های شاخص این شعر می‌گوید: «هیچ اسطوره‌ای چنان که تویی نیست، پیروز در هزار نبرد» و در ادامه نیز آمده است: «جوهر شاهنامه تا گرم است، از تو پدید نوشت ایران مرد». همین مضمون حماسی و هویت‌ساز باعث شد از همان ابتدا به این نتیجه برسیم که بهترین نام برای این اثر «ایران مرد» است. این عنوان، هم با فضای شعر تناسب داشت و هم می‌توانست تصویری از شخصیت، مجاهدت‌ها و جایگاه تاریخی ایشان ارائه دهد. تلاش ما این بود که در آن شرایط، اثری خلق شود که علاوه بر ارزش هنری، بتواند بخشی از احساس ارادت و دل‌بستگی

مردم و جامعه هنری را نیز بازتاب دهد.

در ساخت این اثر، بیشتر تلاش داشتید چه پیام‌هایی احساسی را به مخاطبان منتقل کنید؟

از همان ابتدا تلاش کردیم فضای موسیقایی اثر کاملاً در امتداد فضای شعر شکل بگیرد. شعر میلاد عرفان‌پور ترکیبی از دو مؤلفه اصلی بود؛ از یک سو غم و اندوه ناشی از فقدان و از سوی دیگر حماسه، اقتدار و استواری. به همین دلیل در طراحی موسیقی نیز تصمیم گرفتیم این دو فضا را به صورت مجزا اما مکمل یکدیگر روایت کنیم تا مخاطب بتواند هر دو وجه را در کنار هم احساس کند.

در بخش آغازین اثر، تمرکز ما بر جنبه احساسی و عاطفی شخصیت آقای شهید بود. ایشان همواره نگاهی شاعرانه به جهان داشتند و این روحیه در سخنان، اشعار و منشی شخصی‌شان نیز نمود پیدا می‌کرد. وجود ایشان سرشار از لطافت، مهر و احساس بود در کنار مسئولیت‌های سنگین سیاسی و اجتماعی، همواره از مفاهیم عرفانی، عاشقانه و انسانی سخن می‌گفتند. همین ویژگی سبب شده بود افشار مختلف مردم، هنرمندان و بسیاری از مسئولان، علاوه بر جایگاه رهبری، به شخصیت اخلاقی و منش پدیده ایشان نیز علاقه‌مند باشند. ما تلاش کردیم این ساحت

جایگاه والی

رهبر شهید همواره در دو ساحت قابل بررسی است؛ از یک سو اقتدار، استقامت و جایگاه اسطوره‌گونه ایشان و از سوی دیگر روحیه لطیف، مهربان و عارفانه‌ای که در منش و شخصیت‌شان جریان داشت. همین دو ویژگی، شالوده اصلی طراحی موسیقی «ایران مرد» را شکل داد. در شعر میلاد عرفان‌پور نیز این دو وجه به خوبی در کنار یکدیگر دیده می‌شود. برای مثال، تشبیه حضرت آقا به قله دماوند، صرفاً یک تشبیه جغرافیایی یا شاعرانه نیست؛ دماوند نماد استواری، شکوه، صلابت و ماندگاری است، اما در عین حال حضوری آرام، باوقار و اطمینان‌بخش نیز دارد. ما این تصویر را بسیار الهام‌بخش می‌دانستیم و تلاش کردیم همین ویژگی در موسیقی نیز بازتاب پیدا کند؛ یعنی مخاطب در کنار حس اقتدار، با روحی سرشار از آرامش، مهربانی و معنویت نیز مواجه شود. به همین دلیل در ساختار موسیقایی اثر، فراز و فرودهای احساسی کاملاً آگاهانه طراحی شده است. در بخش‌هایی، موسیقی با ارکسترآسیونی باشکوه، ریتمی استوار و ملودی‌هایی حماسی، بروجه اسطوره‌ای، رهبری و استقامت شخصیت ایشان تأکید می‌کند؛ فضایی که شکوه و عظمت این شخصیت را به مخاطب انتقال می‌دهد. اما در مقابل، بخش‌هایی از اثر به سمت فضایی آرام‌تر، شاعرانه‌تر و تأمل‌برانگیزتر حرکت می‌کند؛ جایی که موسیقی، ساحت عرفانی، معنوی و عاطفی ایشان را روایت می‌کند و مخاطب را به دنیای درونی این شخصیت نزدیک‌تر می‌سازد. در واقع ما نمی‌خواستیم موسیقی تنها تصویری یک‌بعدی از حضرت آقای شهید ارائه دهد. اگر صرفاً بر جنبه حماسی تأکید می‌کردیم، بخش مهمی از شخصیت ایشان نادیده گرفته می‌شد و اگر تنها بر فضای احساسی تمرکز می‌کردیم، شکوه و اقتدار تاریخی ایشان در اثر بازتاب پیدا نمی‌کرد. بنابراین تلاش کردیم این دو ساحت، در کنار یکدیگر و به شکلی متوازن در موسیقی حضور داشته باشند. این نگاه، تنها به ملودی محدود نماند؛ بلکه در رنگ‌آمیزی صوتی، سازآرایی، تنظیم ارکستر و حتی نحوه پیشرفت موسیقی نیز رعایت شد. انتخاب سازها، تغییرات دینامیکی، جنس هارمونی‌ها و حرکت تدریجی قطعه، همگی بر اساس همین ایده شکل گرفت تا موسیقی بتواند هم عظمت و صلابت را بازتابی کند و هم لطافت و معنویت و روح شاعرانه شخصیت ایشان را. به باور من، یکی از نقاط قوت شعر میلاد عرفان‌پور نیز همین است که میان حماسه و عرفان، میان اقتدار و احساس، تعادلی طبیعی برقرار می‌کند. ما نیز در آهنگسازی و تنظیم تلاش کردیم جهان موسیقایی اثر دقیقاً در همان مسیر حرکت کند؛ به گونه‌ای که موسیقی ادامه طبیعی شعر باشد، نه صرفاً همراهی‌کننده آن. امروز مخاطب در هنگام شنیدن «ایران مرد»، هم احساس غرور می‌کند، هم دل‌تنگ می‌شود و هم به تأمل فرو می‌رود.

برسد و در نهایت به امید، اقتدار و حماسه ختم شود. به اعتقاد من، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های «ایران مرد» همین تلفیق دو احساس متضاد اما مکمل است. مخاطب در طول اثر، هم داغ فقدان را حس می‌کند و هم شکوه شخصیتی را که موضوع اثر است. این همان چیزی بود که از ابتدا به دنبال آن بودیم؛ اینکه موسیقی صرفاً روایتگر اندوه نباشد، بلکه در کنار آن، تصویری از استقامت، عزت و ماندگاری نیز ارائه دهد. فکری که کتم ترکیب این دو ساحت، یعنی عاطفه و حماسه، در نهایت به هویت اصلی این اثر تبدیل شد و توانست آن چیزی را که در شعر میلاد عرفان‌پور نهفته بود، در زبان موسیقی نیز بازآفرینی کند.

در ساخت این قطعه، چه مؤلفه‌هایی را برای انتقال مفهوم شخصیت، اندیشه و جایگاه ایشان در نظر گرفتید؟

در نگاه ما، جایگاه والی رهبر شهید همواره در دو ساحت قابل بررسی است؛ از یک سو اقتدار، استقامت و جایگاه اسطوره‌گونه ایشان و از سوی دیگر روحیه لطیف، مهربان و عارفانه‌ای که در منش و شخصیت‌شان جریان داشت. همین دو ویژگی، شالوده اصلی طراحی موسیقی «ایران مرد» را شکل داد. در شعر میلاد عرفان‌پور نیز این دو وجه به خوبی در کنار یکدیگر دیده می‌شود. برای مثال، تشبیه حضرت آقا به قله دماوند، صرفاً یک تشبیه جغرافیایی یا شاعرانه نیست؛ دماوند نماد استواری، شکوه، صلابت و ماندگاری است، اما در عین حال حضوری آرام، باوقار و اطمینان‌بخش نیز دارد. ما این تصویر را بسیار الهام‌بخش می‌دانستیم و تلاش کردیم همین ویژگی در موسیقی نیز بازتاب پیدا کند؛ یعنی مخاطب در کنار حس اقتدار، با روحی سرشار از آرامش، مهربانی و معنویت نیز مواجه شود. به همین دلیل در ساختار موسیقایی اثر، فراز و فرودهای احساسی کاملاً آگاهانه طراحی شده است. در بخش‌هایی، موسیقی با ارکسترآسیونی باشکوه، ریتمی استوار و ملودی‌هایی حماسی، بروجه اسطوره‌ای، رهبری و استقامت شخصیت ایشان تأکید می‌کند؛ فضایی که شکوه و عظمت این شخصیت را به مخاطب انتقال می‌دهد. اما در مقابل، بخش‌هایی از اثر به سمت فضایی آرام‌تر، شاعرانه‌تر و تأمل‌برانگیزتر حرکت می‌کند؛ جایی که موسیقی، ساحت عرفانی، معنوی و عاطفی ایشان را روایت می‌کند و مخاطب را به دنیای درونی این شخصیت نزدیک‌تر می‌سازد. در واقع ما نمی‌خواستیم موسیقی تنها تصویری یک‌بعدی از حضرت آقای شهید ارائه دهد. اگر صرفاً بر جنبه حماسی تأکید می‌کردیم، بخش مهمی از شخصیت ایشان نادیده گرفته می‌شد و اگر تنها بر فضای احساسی تمرکز می‌کردیم، شکوه و اقتدار تاریخی ایشان در اثر بازتاب پیدا نمی‌کرد. بنابراین تلاش کردیم این دو ساحت، در کنار یکدیگر و به شکلی متوازن در موسیقی حضور داشته باشند. این نگاه، تنها به ملودی محدود نماند؛ بلکه در رنگ‌آمیزی صوتی، سازآرایی، تنظیم ارکستر و حتی نحوه پیشرفت موسیقی نیز رعایت شد. انتخاب سازها، تغییرات دینامیکی، جنس هارمونی‌ها و حرکت تدریجی قطعه، همگی بر اساس همین ایده شکل گرفت تا موسیقی بتواند هم عظمت و صلابت را بازتابی کند و هم لطافت و معنویت و روح شاعرانه شخصیت ایشان را. به باور من، یکی از نقاط قوت شعر میلاد عرفان‌پور نیز همین است که میان حماسه و عرفان، میان اقتدار و احساس، تعادلی طبیعی برقرار می‌کند. ما نیز در آهنگسازی و تنظیم تلاش کردیم جهان موسیقایی اثر دقیقاً در همان مسیر حرکت کند؛ به گونه‌ای که موسیقی ادامه طبیعی شعر باشد، نه صرفاً همراهی‌کننده آن. امروز مخاطب در هنگام شنیدن «ایران مرد»، هم احساس غرور می‌کند، هم دل‌تنگ می‌شود و هم به تأمل فرو می‌رود.

به نظر شما وقتی قرار است یک شخصیت تاریخی یا سیاسی در قالب موسیقی روایت شود چه مؤلفه‌هایی باید داشته باشد تا اثر از شعار فاصله بگیرد و به یک اثر ماندگار تبدیل شود؟

به اعتقاد من، مهم‌ترین اصل این است که اثر از چارچوب سفارش صرف خارج و به یک تجربه واقعی و صادقانه تبدیل شود. این موضوع فقط به موسیقی محدود نیست؛ در شعر، سینما، ادبیات و دیگر هنرها نیز همین قاعده وجود دارد. هر زمان هنرمند با باور قلبی و احساس واقعی خود دست به خلق اثر بزند، مخاطب این صداقت را به خوبی



به نظر شما وقتی قرار است یک شخصیت تاریخی یا سیاسی در قالب موسیقی روایت شود چه مؤلفه‌هایی باید داشته باشد تا اثر از شعار فاصله بگیرد و به یک اثر ماندگار تبدیل شود؟

بازتاب جهانی زندگی و اندیشه رهبر شهید

فرشید شکیبا
مدیر واحد دوبلاژ تلویزیون

در جهان امروز که «جنگ روایت‌ها» عملاً به اصلی‌ترین میدان نبرد قدرت‌های نرم تبدیل شده است، هر تصویر، هر قاب و هر کلمه‌ای که درباره تاریخ و شخصیت‌های یک کشور در خارج از مرزها تولید می‌شود، واجد اهمیت استراتژیک است. ما اغلب عادت کرده‌ایم شخصیت‌های ملی و دینی خود را از دریچه تولیدات داخلی تماشا کنیم؛ اما تماشا می‌کنیم شخصیت‌ها از لنز دوربین‌های خارجی، روایتی متفاوت، مستندتر و گاهی غافلگیرکننده‌تر به دست می‌دهد. دوبله آماده‌سازی مستند A قسمتی شبکه «المنار» درباره زندگی قائد امت شهید آیت الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای، اتفاقی است که دقیقاً همین خلأ را در سبده رسانه‌ای ما پر می‌کند. اینکه یک شبکه برون‌مرزی با بهره‌گیری از ۱۵ هزار ساعت آرشیو، ۴۷ هزار عکس و ۱۵۰ مصاحبه در ۱۲۵ لوکیشن مختلف، سیر زندگی و مجاهدت‌های رهبر شهید را روایت می‌کند، فراتر از یک مستند ساده است. این حجم از داده، نشان‌دهنده یک «پروژه تاریخی» است که با نگاهی دقیق و خارج از تعارفات معمول داخلی، به دنبال ترسیم الگویی از ایستادگی است. اما چرا این حرکت، یعنی «شناسایی و دوبله حرفه‌ای آثار فرامرزی»، تا این حد حیاتی است؟ نخست آنکه، مخاطب امروز به دنبال روایت‌های «بی‌بی‌بی‌نگاه» است. وقتی این روایت‌ها از زبان تولیدکنندگان (به ویژه جنبه مقاومت) بیان می‌شود، لایه‌های جدیدی از شخصیت رهبر برای نسل جوان ما آشکار می‌گردد. مخاطب ایرانی در این مستندها با یادآور فرامرزی «اندیشه مقاومت» آشنا می‌شود و می‌بیند که چگونه گام‌های یک رهبر، نه تنها در ایران، بلکه

درک می‌کند. اما اگر اثر صرفاً برای انجام یک سفارش تولید شده باشد، معمولاً این حس به مخاطب منتقل می‌شود و طبیعی است که ارتباط عمیقی با آن برقرار نکند. به گمان من، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های «ایران مرد» این بود که هیچ‌یک از اعضای پروژه به‌عنوان یک مجری در این کار حضور نداشتند؛ همه با اعتقاد، احساس مسئولیت و باور شخصی در کنار این اثر ایستادند. فرآیند تولید این قطعه نیز شرایطی کاملاً ویژه داشت. کار از همان روزهای ابتدایی پس از شهادت حضرت آقا آغاز شد و تقریباً از روز دوم، مراحل ساخت اثر به‌صورت جدی کلید خورد. در آن مقطع، کشور در شرایطی بسیار حساس و ملتهب قرار داشت و فضای جنگ بر زندگی روزمره مردم سایه انداخته بود. حتی در اطراف محل استودیو نیز شرایط عادی نبود و نگرانی‌های ناشی از حملات و بمباران‌های آن روزها وجود داشت. با این حال، هیچ‌یک از اعضای گروه از ادامه کار منصرف نشدند. نوازندگان، اعضای گروه کر، صدابردار، تنظیم‌کننده، عوامل فنی و همه کسانی که در تولید این اثر نقش داشتند، با تمام توان در استودیو حاضر شدند و با وجود همه دشواری‌ها، تلاش کردند بهترین اجرای ممکن ثبت شود. به اعتقاد من، همین باور مشترک در نهایت به یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اثر تبدیل شد. شاید اگر همان موسیقی و همان شعر در شرایطی عادی و صرفاً در قالب یک سفارش تولید می‌شد، نتیجه از نظر فنی تفاوت چندانی نداشت، اما قطعاً آن بار احساسی و صداقتی که امروز در اثر احساس می‌شود، شکل نمی‌گرفت. مخاطب این حس راحتی اگر نتواند آن را به زبان بیابود، هنگام شنیدن موسیقی درک می‌کند. هدف ما نیز تنها تولید یک قطعه موسیقایی نبود؛ می‌خواستیم اثری خلق شود که در آن روزهای دشوار، هم مرهمی بر اندوه مردم باشد، هم یادآور ایستادگی و هم حامل امید باور داشتیم موسیقی در چنین بزرگه‌هایی صرفاً یک هنر نیست، بلکه می‌تواند نقشی اجتماعی و فرهنگی ایفا کند؛ می‌تواند هم‌دلی ایجاد کند، روحیه ببخشد و حافظه تاریخی یک ملت را ثبت کند. احساس می‌کنم همین صداقت و هم‌دلی، «ایران مرد» را به اثری تبدیل کرده است که فراتر از یک سفارش هنری، بخشی از حافظه فرهنگی آن روزهای تاریخی به‌شمار می‌آید.

اگر بخواهید تنها با یک جمله پیام اصلی «ایران مرد» را توصیف کنید چه می‌گویید؟

«ایران مرد» بیش از هر چیز یادآور این حقیقت است که هر نسل در مقطعی از تاریخ، با مسئولیت‌ها و انتخاب‌های خود روبه‌رو می‌شود. هنر نیز در چنین بزرگه‌هایی می‌تواند بازتاب‌دهنده احساسات، خاطرات و دغدغه‌های یک جامعه باشد. در این اثر، مفهوم وطن جایگاهی محوری دارد. ایران برای ما تنها یک جغرافیا نیست؛ مجموعه‌ای از تاریخ، فرهنگ، هویت، زبان و خاطرات مشترکی است که نسل‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد. همین نگاه سبب شد در شکل‌گیری این قطعه، مفهوم ایران و تعلق خاطر به سرزمین، یکی از مهم‌ترین محورهای روایت باشد. در متن شعر و فضای موسیقی، شخصیت حضرت آقای شهید به‌عنوان شخصیتی اثرگذار در تاریخ معاصر ایران مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است تصویری از نگاه و منش و جایگاه ایشان در این چارچوب هنری ارائه شود. آنچه برای ما اهمیت داشت، بیان احساسی بود که در روزهای تولید اثر میان اعضای گروه وجود داشت؛ احساسی که در نهایت در موسیقی و شعر نیز بازتاب پیدا کرد. ما باور داریم عشق به وطن، فارغ از هر نگاه دیگری، یکی از ارزشمندترین سرمایه‌های هر ملت است. ایران برای همه ما سرزمینی است که با آن زندگی کرده‌ایم، از آن آموخته‌ایم و نسبت به آینده‌اش احساس مسئولیت داریم. اگر «ایران مرد» توانسته باشد بخشی از این احساس تعلق، هم‌دلی و دل‌بستگی را به مخاطب منتقل کند، به هدف خود نزدیک شده است. آنچه آقای شهید ما را متمایز می‌کند، عشق صادقانه و دل‌بستگی عمیقشان به ایران و وطن است. حتی در روزهای سخت جنگ دوازده‌روزه، با شجاعت از مردم، هنرمندان و همه آنان که دل در گرو ایران داشتند، خواستند برای ایران بخوانند و از وطن بگویند. بی‌تردید می‌توان آقای شهید ما را نمادی از ایران دوستی، وطن‌پرستی، مردم‌دوستی و عشق به سرزمین مادری دانست. «ایران مرد» نیز زوایتگر همین عشق پاک و ناب است؛ عشقی که از قلب جوانانی آزاد برمی‌خیزد و برای ایران می‌تپد. شاید روزی این احساس صادقانه در تاریخ ثبت شود و ما نیز توانستیم باشیم گوشه‌ای از دل‌دادگی، غیرت و عشق آقای شهید ما به ایران را به تصویر بکشیم.

یادداشت

بازتاب جهانی زندگی و اندیشه رهبر شهید

دیپلماسی روایت

فرشید شکیبا
مدیر واحد دوبلاژ تلویزیون

در جغرافیایی وسیع، الهام‌بخش حرکت‌های آزادی‌خواهانه بوده است. این روایت‌ها به جای استفاده از کلیشه‌ها، از «مستندات» سخن می‌گویند؛ از عکس‌هایی که سال‌ها در آرشیو مانده بودند و حالا برای بازخوانی دقیق تاریخ ۵۰ ساله مجاهدت، به خدمت گرفته شده‌اند. دوم اینکه، دوبله حرفه‌ای در اینجا صرفاً یک فعالیت فنی نیست، بلکه یک «پل فرهنگی» است. ترجمه و صداگذاری صحیح، به این آثار اجازه می‌دهد تا به خانه‌های مخاطبان ایرانی هم برود. اگر این آثار با دوبله‌ای سلیس و حرفه‌ای عرضه نشوند، حتی اگر فاخرترین تولیدات جهان باشند، در پایگانی‌های شبکه باقی می‌مانند. اقدام تلویزیون در تبدیل این مستندها به محتوای قابل فهم برای مخاطب ایرانی، یک هوشمندی رسانه‌ای است. وقتی مستندی مانند «تجارت الانکباء» با الهام از آموزه‌های قرآنی، تبیین روحیه شهادت‌طلبی رهبر شهید‌مان می‌پردازد، دوبله حرفه‌ای آن باعث می‌شود که مفاهیم عمیق، مستقیم بر دل مخاطب بنشیند. در نهایت، ما نیازمند یک استراتژی فعال برای معرفی آثار جهانی‌کده در خصوص رهبران و شخصیت‌های بزرگ ایرانی ساخته می‌شود، هستیم. نباید منتظر باشیم که دیگران درباره ما مستند بسازند و ما تنها تماشاگر منفعل باشیم. ناسایی این آثار، دوبله با کیفیت و بخش به‌موقع آن‌ها، می‌تواند رسانه‌های ایرانی را غنی‌تر کند. این مستندها به ما یادآوری می‌کنند که تاریخ ما فقط آن چیزی نیست که در کتاب‌های درسی خوانده‌ایم، بلکه روایتی است جهانی‌کده دیگران نیز از بیرون به آن با احترام و شگفتی نگاه می‌کنند. رسانه‌ها با این دست اقدامات، در واقع در حال بازگرداندن «روایت‌های کشف‌شده» به خانه هستند؛ روایتی که می‌تواند الگویی درخشان از ایستادگی و جانبازی برای فردای ایران باشد.

بزرگترین چالش شما در طراحی این اثر با این ابعاد چه بود؟ برای تابلوهای شهری توجه به منظر و دیدار مناسب طرح از فواصل مورد نظر و توجه به جزئیات اجرایی و خوانش مناسب عبارات از مسائلی است که باید به آن توجه داشت که در این طرح تأکید داشتیم تک عنصری و با تناسبات گیزاتری ارائه شود. ضمن اینکه محتوای شعر مذکور، پیام احساسی و اعتقادی بسیار وسیع تری دارد که جای طرح تصویری جوانب آن در تابلوهای شهری (به نسبت گستره مخاطبان) نیست، که اینجا به چند نماد محدود مانند دایره سرخ رنگ پشت سر رهبر بسنده شد، بنابراین توجه به جدی از اعتدال تصویری در نمایش محتوا و جلب احساسات ضروری است.

به نظر شما، یک اثر هنری شهری در چنین لحظات حساس و تاریخی از کشور، چه نقشی در ثبت حافظه جمعی و همراهی با احساسات مردم ایفا می‌کند؟

هنر شهری قطعاً در جهت دهی افکار و احساسات مؤثر است، که مجال پرداختن به زوایای گوناگون اجتماعی و سیاسی و... آن در این گفت‌وگو نیست، ولی اشاره به این نکته ضروریست که این روزها بی‌شک از تاریخی ترین روزهای ایران عزیز ماست و مردم ما اطاعت و همراهی تاریخی با آرمان‌های اسلام داشتند و بیش از صد شب حضور در خیابان‌ها نوعی ارادت عملی به راه راستین سیدعلی خامنه‌ای بود. ضمن اینکه باید توجه داشت شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، فرصت بازنشر و معرفی را برای مخاطبانی که به شکل حضوری و امکان جغرافیایی مخاطب‌آثر نیستند نیز فراهم می‌کنند.

اگر فرصت با نظر طراحی داشتید، چیزی را تغییر می‌دادید؟ این دیوارنگاره را بیشتر یک اثر هنری می‌دانید یا یک بیانیه بصری؟

البته فرصت طراحی این اثر کمتر از یک روز بود و با ضیق و اضطراب زمانی خاصی همراه بود و شاید اگر زمان وسیع‌تری در نظر گرفته می‌شد حال و هوای طرح و ایده پردازی و اجرایی متفاوت می‌شد.

رنگ‌های محدود، افق وسیع تصویر و حضور نمادین گل و مرغ ایرانی و همسویی پرواز پروانه‌ها به سمت امام شهید، این طرح را به سمت اثر هنری با حال و هوای شاعرانه برده تا بیانیه تصویری با طرح و نمایش شعارها در قالب بیانیه بصری. هر چند که طرح موضوع «صنایع و شهادت فرزندان علی مرتضی» و چنانچه در عبارات شعر آمده، شاید بیانیه بصری خط سرخ شهادت و غلبه خون بر شمشیر نیز باشد.



صابر شیخ رضایی، طراح دیوارنگاره جدید میدان راه‌آهن در گفت‌وگو با «ایران»:

دوست داشتیم وقار و آرامش رهبر شهید را نشان دهم

گفت‌وگو

تهران همزمان با آیین‌های وداع با رهبر شهید، نماد جدیدی را به خود دید. دیوارنگاره میدان راه‌آهن، با طراحی صابر شیخ‌رضایی و به همت حوزه هنری، چهره رهبر شهید را بر دیوار یکی از شلوغ‌ترین میادین پایتخت ثبت کرد. این اثر که با شعارهای «آقای شهید ایران» و «باید برخاست» شناخته می‌شود. درباره این اثر با صابر شیخ‌رضایی، گفت‌وگو می‌کنیم که می‌خوانید:

هدف شما از انتخاب ترکیب تصویر چهره با شعار «باید برخاست» و عبارت «آقای شهید ایران» چه بود؟

هدف عمده طراحی این اثر، راستین فضای شهری به سوگ و تعزیت امام شهید و مراسم بدرقه ملی و بین‌المللی ایشان بود که با توجه به شعار و اقلام گرافیکی مراسم ایشان، یعنی نشان و نوشتار «باید برخاست»، در نظر داشتیم فضای طرح به سمت غم و اندوه مطلق نرود و تصویری از ایشان مبنای تصویرسازی قرار بگیرد که برای مخاطبان القای حماسه و شکوه همواره زنده پرواز ایشان و امید به ادامه راه انقلاب و کشور و مسیر تمدنی شیعه و امت اسلامی را تداعی کند.

چگونه توانستید میان «وقار و حزن» مربوط به مراسم وداع و «روحیه حماسی و ایستادگی» (که در شعار اثر



وداع ملک

فرهنگ شهادت

فرهنگی

ایران

۹ شه‌شنبه
۱۶ تیر ۱۴۰۵
۲۲ محرم ۱۴۴۸

سال
سی و دوم
شماره ۹۰۶۶

Tuesday
7 July 2026
Vol 9066